

به پشتیبانی از مبارزه پرستاران بر خیزیم

پرستاران بخشی از طبقه کارگر و زحمتکشان ایران هستند که نقش بارز و حیاتی در سلامتی کل جامعه و در نتیجه در روند سالم تولید و ثروت آفرینی جامعه ایفا می‌کنند. این قشر از زحمتکشان ایران از همان اوان حاکمیت رژیم فاشیستی ایران با محدودیت، نابرابری، سرکوب و اخراج از کار رو به رو شدند. زندگی سالم کل جامعه به زندگی سالم و آسایش روانی پرستاران گره خورده است. در این مفهوم عدم رسیدگی به زندگی و شرایط کار پرستاران، ایجاد بحران بهداشتی، بحران تولید و بحران اقتصادی و سیاسی را در پی دارد.



پرستاران در همان آغاز این رژیم دست به مبارزه‌ای پیگیر زدند که تا کنون ادامه دارد. این مبارزه علی‌رغم افزایش فشار و سرکوب از جانب رژیم، رشد و تکامل کرده، دامنه خود را گسترده و از پشتیبانی وسیع‌تر اقشار مختلف مردم برخوردار گردیده است. تحت چنین شرایط دردناکی با شروع بیماری کرونا پرستاران برای نجات

مردم جانفشانی کردند. ۶۰۰۰۰ پرستار به این بیماری مبتلا شدند که ۱۰۰ تن از آن‌ها جان خود را از دست دادند. (تسنیم)

مبارزات پرستاران در سال ۱۴۰۳ اوج بی سابقه‌ای را تجربه کرد. آن‌ها در ابتدا در شیراز، بویراحمدی و لامرد با شعار، وعده و وعید کافی، سفره ما خالی، دست از کار کشیدند و اعتصابات خود را به خیابان کشاندند. این جنبش به سرعت کل پرستاران ایران را به حرکت درآورد. آن‌ها پاداش مناسب، عدم اضافه کاری اجباری بی مزد (بیگاری) پرداخت قابل قبول برای اضافه کاری، تعرفه گذاری صحیح پرستاری، بهبود حقوق پرستاران، پرداخت معوقه‌ها، استخدام پرستاران جدید و کم کردن فشار کاری، پرداخت شفاف تعرفه پرستاری، اجرای کامل بهره‌وری طبق خدمات پرستاران را طلب می‌کردند.

در آن زمان دولت، کار ۱۶۰ ساعته ماهانه پرستاران را تا ۱۷۵ ساعت افزایش داد و ۵۰ ساعت اضافه کاری را بر آن‌ها تحمیل نمودند. پرستاران علیه این اجحاف تحمل ناپذیر به طور گسترده‌تری مبارزه را ادامه دادند (در ۳۵ شهر و ۶۰ بیمارستان). در آن روزها شعارهای آن‌ها چنین بود «تورم دلاری، حقوق ما ریالی»، «با کرونا جنگیدیم، حمایتی ندادیم»، «اضافه کار بیست تومان، حجالت، حجالت»، «پرستار نباشه، بیمارستان تعطیله»، «مسئول بی کفایت استعفا، استعفا»، «ما که نماد صبریم، صبرمون سر رسیده»، «پرستاران می‌میرند، ذلت نمی‌پذیرند»، «وعده و وعید نمی‌خوایم، ما حقمون را می‌خوایم»، «تعرفه ما کجاست، توی جیب شماهاست» (کمون شماره ۴۰)

در آن روزها دولت سعی کرد با واریز کردن ۶۰۰ هزار تومان به حساب پرستاران مبارزات آن‌ها را خاموش کند. دوباره وعده و وعید همراه سرکوب و اخراج پرستاران فعال در مبارزه، سایه شوم خود را بر سر پرستاران پهن نمود. در همین برهه از تاریخ پرستاری بود که میزان خودکشی پرشکان و پرستاران ابعاد نگران کننده‌ای به خود گرفت و کل جامعه را در اضطراب و نگرانی فرو برد.

ولی معضلات پرستاران نه تنها حل نشده بلکه تشدید یافته است، اضافه کاری‌های اجباری بدون مزد بیشتر شده، توان پرستاران کاهش یافته و زندگی معیشتی آن‌ها هر روز تحمل ناپذیرتر گشته است. همه این معضلات بعلاوه معضلات دیگر اجتماعی باعث اوج بی سابقه مبارزات اخیر پرستاران کشور گردیده است.

اعتراضات جدید پرستاران از ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ آغاز گردید. شعارهای این اعتراضات همچنان مربوط است به کمبود نیروی کار، اضافه کاری اجباری، پائین بودن حقوق، تعرفه‌ها و اجرا نشدن قوانین کار سخت، شیفت‌های کاری طولانی.

مهمترین شعارهای مبارزات اخیر پرستاران «پرستار نباشه، سیستم از هم می‌پاشه»، «پرستار داد بزن، حقات را فریاد بزن»

در سال ۱۳۹۹ با کمبود حدود ۱۰۰۰۰۰ پرستار در بیمارستان‌ها رو به رو بودیم و امروز نیز با کمبود ۱۲۰ هزار پرستار در بیمارستان‌ها رو به رو هستیم.

سپهریان، عضو شورای عالی سازمان نظام پرستاری می‌گوید: «بر اساس استاندارد باید حدود ۱,۸ دهم پرستار به هر تخت داشته باشیم، اما این استاندارد به شدت کاهش یافته و به حدود ۰,۹ دهم در کشور و در برخی شهرها به حدود ۰,۶ دهم رسیده است.» (فرارو ۱۸ مرداد ۱۴۰۴) این استاندارد برای ایران است ولی استاندارد جهانی ۳ تا ۴ پرستار برای هر تخت را در نظر گرفته است.

وضعیت کشوری که برای هر بیمار ۱,۸ پرستار در اختیار دارد، بسیار نا به سامان و کشنده است. ولی در ایران همان هم در اختیار نیست. برای هر بیمار بین ۰,۶ الی تا ۰,۹ پرستار وجود دارد. کمبود کادر پرستاری در این ابعاد برای پرستاران شاغل کشنده است. دولت بجای تشویق آن‌ها و سعی در بهتر کردن شرایط معیشتی و روانی پرستاران، به فشار و سرکوب رو می‌آورد. بدین جهت ده‌ها هزار پرستار کشور را ترک کرده‌اند و در بسیاری از بیمارستان‌ها به دلیل نبود پرستار بعضی بخش‌ها تعطیل شده و در نظام سلامت ایران حفره‌های هولناکی ایجاد گشته است.

احمد نجاتیان، رئیس کل نظام پرستاری در برنامه تلویزیونی کشیک سلامت، گفت: «با وجود آموزش سالانه ۱۲ هزار پرستار در ۴ سال گذشته کمتر از ۱۰ هزار پرستار استخدام شده‌اند ... هم در جذب و هم در نگهداشت پرستاران مشکلات جدی وجود دارد به همین علت سالانه حدود ۱۸۰۰ پرستار از سیستم بیمارستان‌های دولتی خارج می‌شوند و تعداد زیادی از آنان مهاجرت می‌کنند.»

به بیان دیگر در عرض چهار سال ۴۸۰۰۰ پرستار تربیت شده ولی فقط ۱۰ هزار نفر از آن‌ها استخدام گشته‌اند. علت این امر شرایط دردناک پرستاران در بیمارستان‌ها و پائین بودن حقوق آنهاست. این پرستاران دوره دیده وقتی می‌بینند که در کشور مجاور بیش از ده برابر کشور خودشان مزد می‌گیرند، از کشور مهاجرت می‌کنند. اشکال از این پرستاران نیست. اشکال از سیاست پر خفکانی است که برای پرستاران ایجاد شده است.

محمد شریفی‌مقدم، دبیرکل خانه پرستار از یک گروه سلطه در وزارت بهداشت می‌گوید که دریافتی‌های چند صد میلیونی دارند و اجازه اجرا شدن قوانین تصویب شده را نمی‌دهند: «آنها پرستاری با حقوق ۲۰ میلیون تومانی را درک نمی‌کنند در نتیجه اعتراض پرستاران به جایی نمی‌رسد و نهادهای پرستاری هم در اختیار همین گروه سلطه در وزارت بهداشت است.» (عصر ایران) شریف مقدم در جای دیگر می‌گوید: «پرستار برای یک شیفت ۷ ساعته ۱۴۰ هزار تومان می‌گیرد؛ این مبلغ به اندازه کرایه ماشین رفت و برگشت او هم نیست.» (سایت به پیش)

نجاتیان می‌گوید: «ما باید به فکر جذابیت حرفه پرستاری باشیم، وقتی حقوق پرستار در تهران کفاف هزینه مسکن را نمی‌دهد؛ نمی‌توانیم در جذب پرستار در شهرهایی مثل تهران موفق باشیم.» او ادامه می‌دهد که در سال ۵ هزار پرستار از سیستم خارج می‌شوند. او «افزود: متأسفانه بیمارستان‌های بخش خصوصی، از ابتدای اجرای قانون تعرفه‌گذاری، هفت هزار میلیارد تومان درآمد از محل پرداخت بیماران و بیمه‌ها داشته‌اند اما حق پرستاران را یا نداده‌اند یا ناقص پرداخت کرده‌اند.»

در مقابله با همه این معضلات، پرستاران کشور تصمیم به مبارزه قاطع‌تر از گذشته گرفته‌اند، آن‌ها

کار را تعطیل کرده‌اند. ابتدا پرستاران در کرج و البرز دست از کار کشیدند. سپس پرستاران بیمارستان‌های استان فارس به آن‌ها پیوستند. این اعتصابات به بسیاری از بیمارستان‌های کشور در استان‌های مختلف گسترش یافت و رژیم ایران را با یک بحران جدی رو به رو کرد. ولی همان‌طور که محمد شریفی می‌گوید گروه سلطه در وزارت بهداشت تغییرات مثبت، حتی جزئی را نیز برای پرستاران اجازه نداده است.

اگر ما به پروسه چندین ساله مبارزات پرستاران از ابراز نارضایتی فردی به نارضایتی جمعی، تکامل آن به اعتراضات خیابانی و سپس در این روزها به تعصیلی کشاندن کار، توجه کنیم در می‌یابیم که معضلات گذشته همچنان باقی است، به اضافه این که قدری تشدید شده است. شعارها همان شعارهای گذشته هستند زیرا معضلات همان‌ها هستند، سطح و گسترش مبارزات پرستاران در همان سطح ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ می‌باشد ولی مبارزات چند هفته اخیر آن‌ها آشتی ناپذیرتر به نظر می‌آید.

این یعنی معضلات حل نگشته است. همین شرایط در بخش‌های دیگر کارگری ایران نیز خود را نشان می‌دهد. سه سال است که مبارزات کارگران ایران، چه کارگران یدی و چه کارگران فکری و یا خدماتی در سطح معیشتی و هر بخشی مجزا از دیگران و در خود فرو رفته جریان دارد.

این درست است که هر مبارزه کارگری از پشتیبانی دیگر بخش‌های کارگری و یا توده مردم برخوردار می‌گردد ولی آن مبارزه در خود غنوده است. فقط خواست‌های معیشتی خود را طرح می‌کند، و به شرایط حاکم بر کل کشور و ستم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر اقشار دیگر تحت ستم جامعه کاری ندارد.

این یک اشکال ایدئولوژیک – سیاسی است که مربوط به طبقه کارگر نیست. این یک جریان فکری خرده بورژوازی در جنبش کارگری است. یک جریان رفرمیستی و اکونومیستی مخرب که از تکامل مبارزه معیشتی به سطح مبارزه سیاسی فراگیر ضد سرمایه‌داری جلوگیری می‌کند. دور آن حصار می‌کشد و آن را از دیگر بخش‌های جامعه جدا می‌نماید.

مبارزات معیشتی هر بخش از کارگران، به طور خاص مربوط به همان بخش است. این مبارزات معیشتی – اقتصادی نمی‌تواند بخش‌های مختلف کارگری را به هم پیوند دهد. می‌تواند به اتحادیه سراسری و مستقل کارگری بیانجامد ولی در همان اتحادیه نیز هر بخش کارگری به طور مجزا مبارزه معیشتی خود را به پیش خواهد برد و مورد پشتیبانی بخش‌های دیگر قرار خواهد گرفت ولی این با درهم تنیدگی کل جنبش کارگری فاصله بسیار دارد. این درهم تنیدگی در فعالیت مشترک و هماهنگ سیاسی بخش‌های مختلف کارگری امکان پذیر است. در مبارزه به خاطر توقف اعدام، در مبارزه به خاطر آزادی زندانیان سیاسی، در مبارزه به خاطر آزادی زنان در زمینه‌های مختلف و...

مبارزه معیشتی و اقتصادی لازم و شرط اساسی و زمین سفت برای خیزش به مبارزه سیاسی است ولی اگر این مبارزه در همان سطح مبارزه سیاسی علیه تهاجم پاسدار – لباس شخصی رژیم، به همان اعتراضات خلاصه شود، جنبش کارگری را به فساد و انشعاب خواهد کشید.

امروزه پرستاران همانند ۴ سال پیش به هیچکدام از خواست‌های اساسی خود نرسیده‌اند، زیرا در خود غنوده بوده و هستند. همان‌طور که کارگران بخش‌های دیگر به خواست‌های اساسی خود نرسیده‌اند زیرا در خود غنوده‌اند.

مبارزات رفرمیستی و اکونومیستی اگر به سطح مبارزات سیاسی همه جانبه در سمت مبارزه سوسیالیستی تکامل نکند، در چارچوب نظام سرمایه‌داری محصور می‌گردد و چون راهی برای نجات نمی‌یابد، در درونش ریزش و انشعاب به وجود می‌آید و آن را مثل خوره می‌خورد.

مبارزه پرستاران باید از این دایره شیطانی بیرون رود، پا بر عرصه مبارزات سیاسی عمومی جامعه

بگذارد و خواست‌های معیشتی و اقتصادی خود را با خواست‌های سیاسی کل اقشار ناراضی جامعه پیوند زند و سمت مبارزه انقلابی به خود بگیرد. آنوقت تأثیر عمیق و شگرفی بر کل مبارزات کارگری ایران خواهد گذاشت و دستاوردهای بسیاری را شاهد خواهد بود. آنگاه آگاهی طبقاتی پرستاران همراه با آگاهی طبقاتی کل جنبش کارگری در نزدیک شدن جنبش کمونیستی با آنها تا آنجا رشد خواهد کرد که گام به گام نظم سرمایه‌داری را زیر سؤال کشد و خواستار نظم دیگری، نظم سوسیالیستی گردد.

نظم کمونیستی

۲۴ شهریور ۱۴۰۴